

Introducing, Reading and Analyzing Mohammad Ali Shah's Order about Rokn al-Din's Ruling and the Constitution Movement in Mashhad



Nayeb Shirazi¹

Abstract

Analyzing the crisis periods and writing their history have always been difficult and contaminated with some mistakes, since the events occur too quickly. Mohammad Ali Shah Qajar period is a good example for various reasons. Critical study of the documents, history books and notes of researchers about the period shows their failure in being clear in pinpointing the events. This study showed that the form and content of orders of Mohammad Ali Shah have not been analyzed properly. Regarding the histories about Rokn al-Din's ruling on Khorasan and his connection with Constitution movement in that province, most of the secondary histories and studies have undergone mistakes. So they had mistaken in recording how the events occurred in that period. The disrespectful invasion into Holy Shrine of Imam Reza in 1327 AH by Russian soldiers has been ignored by contemporary researchers. This study showed that the disrespectful violation has been done twice, that is, in 1327 AH and 1330 AH. Exploring and analyzing a new discovered document of the orders of Mohammad Ali Shah and examining primary resources about the time, this study tried to show the shortcomings and mistakes of historians about that era and to make clarifications about the exact time of the events through a descriptive-analytical method.

Keywords: Mohammad Ali Shah, Rokn al-Din, The Constitution, Document, Mashhad, The Holy Shrine of Imam Reza, Russia

1. Independent Researcher; shirazi.nayeb@gmail.com



معرفی، خوانش و تحلیل فرمان محمدعلی شاه در رابطه با حکمرانی رکن‌الدوله و نهضت مشروطیت مشهد

نایب شیرازی^۱

چکیده

نگارش تاریخ و تحلیل دوره‌های بحران به دلیل حوادثی که چنان پیاپی و با شتاب رخ می‌نمایند، همواره سخت و با اشتباهات فراوانی همراه بوده است. از نمونه‌های آن به دلایل بسیار، دوران پادشاهی محمدعلی شاه قاجار در ایران است. بازخوانی انتقادی اسناد، کتاب‌های تاریخی و نوشته‌های پژوهشگران در این مقاطع نشان‌دهنده نارسایی آن‌ها در پاره‌ای از مسائل است. نتیجه تحقیقات ما نشان‌دهنده آن است که فرمان‌های محمدعلی شاه آنچنان‌که می‌بایست مورد تحلیل صحیح صوری و محتوایی قرار نگرفته است. در رابطه با تاریخ‌های حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان و ارتباط او با وقایع مشروطه در آن دیار، اکثر تاریخ‌های دست‌دوم و آثار پژوهشی به تحریر درآمده بر خطا بوده‌اند. بنابراین، در ثبت و چگونگی رویدادهای آن دوران نیز اشتباهات بسیاری صورت گرفته است. گستاخی سربازان روس به حرم رضوی برای نخستین بار در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق رخدادی است که پژوهشگران معاصر به‌کلی از آن غفلت نموده و شرحی از چگونگی آن ارائه نکرده‌اند. تحقیقات ما نشانگر آن است که این رویداد دو بار (۱۳۲۷ق، ۱۳۳۰ق) به وقوع پیوسته است. با خوانش و تحلیل فرمانی نویافته از محمدعلی شاه و بررسی چند منبع اصلی که همزمان با آن است، سعی کرده‌ایم به روش تطبیقی تحلیلی، نارسایی و اشتباهات تاریخ‌نگاران این مقطع را خاطرنشان و تاریخی صحیح از رویدادها و تحلیل آن‌ها ارائه نماییم.

واژگان کلیدی: محمدعلی شاه، رکن‌الدوله، مشروطه، سند، مشهد، حرم رضوی، روس

۱. دکترای تخصصی فلسفه و زیبایی‌شناسی هنر. پژوهشگر مستقل؛ (Shirazi.nayeb@gmail.com)

مقدمه

تاریخ‌نویسی و شرح و تحلیل رویدادهای آن، بر مبنای تفکر تاریخی، کاری بسیار دشوار و ظریف است. دشوار از آن رو که مورخ، تحقیق تاریخی‌اش را می‌بایست بر پایه اسناد و مدارک اصلی بنا نهد. منابعی که گاه بسیار اندک، پراکنده و دست‌یابی بدان‌ها دشوار هستند. درک معانی مستتر در اسناد و منابع گوناگون و رابطه آن‌ها باهم در درجه اول و پس از آن، چگونگی کاربرد مهارت فنی در بهره‌برداری از آن‌ها، نیازمند خرد و خبرگی ویژه‌ای است، بسیار ظریف. این دشواری و ظرافت در تاریخ‌نویسی مقاطع بحران و دوران گذار چندین برابر می‌شود. حوادث و رویدادها در این ادوار تاریخی چنان پیایی و به‌سرعت و گاه همزمان بروز می‌کند که نگارش، ثبت، هضم و تحلیل آن برای هر مورخ و رویدادنگاری به‌راستی دشوار می‌شود. برخی مواقع نیز به علت هم‌پوشانی رویدادها در مناطق مختلف، بحران‌ها در پایتخت یا منطقه‌ای دیگر برجستگی و شدت بیشتری دارند. گاه توجه تاریخ‌نگاران به یک بحران جلب می‌شود و در عوض از جریان‌ات مشابه آن در جای دیگر کم و بیش غافل می‌مانند. بنابراین، رویدادهای دیگر مناطق یا به‌کلی در محاق و فراموشی فرو می‌روند و یا هر یک از مورخان به‌گونه‌ای با شتاب، ناقص و اشتباه آن‌ها را سرهم‌بندی می‌کنند. مورخی که دارای نگرش و انتقاد تاریخی است، می‌بایست با تطبیق و تحلیل منابع، درستی، نارسایی و اشتباه هر یک را بسنجد و بازنماید و تلاش کند تصویری هرچه دقیق‌تر و شفاف‌تر از رویدادهای تاریخی ارائه دهد. نتیجه تحقیقی که مورخ بر مبنای تفکر و انتقاد تاریخی ارائه می‌کند، ممکن است یکسر با نوشته‌ها و مآنوسات ذهنی ما در تضاد باشد و نشانگر آنکه تجدیدنظر اساسی در بسیاری از آثار تاریخ‌نویسان و محققان لازم است. دوران سلطنت محمدعلی شاه قاجار (۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ق- ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق) به دلایل بحران امنیت داخلی و مالی، دخالت دولت‌های روس و انگلیس در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، کشاکش مدام مجلس و دولت ملی با نهاد سلطنت، به توپ بستن مجلس، شورش و آشوب فراگیر بر ضد حکومت استبدادی، اتحاد ملیون و فتح تهران و سرانجام سرنگونی محمدعلی شاه و تغییر سلطنت را می‌توان به‌تمامی، دوران بحران نامید. بی‌ثباتی، آشفتگی و بحران‌های هرروزه در این دوره باعث شده تا ثبت دقیق تاریخ و چگونگی رویدادها به‌ویژه در نقاط دورتر از پایتخت با نارسایی و اشتباه صورت پذیرد.

پیشینه پژوهش

فرمان محمدعلی شاه که در این نوشته معرفی و تحلیل شده، تازه‌یاب و به همین علت تاکنون پژوهشی در مورد آن انجام نپذیرفته است. گونه‌های دیگر فرمان‌های محمدعلی شاه، حکمرانی رکن‌الدوله و نهضت مشروطیت مشهد، موضوع بخش‌هایی از چندین کتاب و مقاله بوده است که در بخش دوم مقاله، تمامی آن‌ها معرفی و موردبررسی انتقادی قرار گرفته شده است.

روش پژوهش

از آنجایی که اسناد و فرمان‌های دوران محمدعلی شاه اندک و پراکنده هستند، هرگونه مدارک اصلی از آن مقطع می‌تواند کمک شایانی در شناخت وقایع و روشنگری تاریخی باشد. در این مقاله با معرفی و خوانش فرمانی از محمدعلی شاه قاجار و بررسی چند منبع و نوشته اولیه و هم‌زمان با تاریخ و محتوای فرمان، سعی می‌گردد تاریخی دقیق و درست از حاکمیت رکن‌الدوله در مشهد و رویدادهای مرتبط با حاکمیت او ارائه شود. همچنین کتاب‌های تاریخ و دیگر نوشته‌ها که مطالبی در ارتباط با این دوره را در بردارند با منابع اصلی تطبیق دهیم و همچنین صحت، اشتباه، نارسایی و کمبود هر یک را بررسی و یادآور شویم. روش انتقادی در این مقاله تطبیقی تحلیلی، روش سنجیده و آزموده تاریخی است.

مشخصات سند*

نوع سند: فرمان / موضوع: فرمان محمدعلی شاه جهت انتصاب رکن‌الدوله^۱ به فرمان‌فرمایی خراسان / تاریخ: ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق / خط: نستعلیق با چاشنی شکسته / کاغذ: فرنگی / اندازه: ۵۷,۵×۴۴,۵ / منشأ سند: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی / شماره سند: ۱۲۰۶۲۴/۳

خوانش فرمان (تصویر ۱)

در بازنویسی این فرمان رسم الخط امروزی لحاظ شده است:

[مهر]:

«الملک لله / بتوقيع برزده بعون الهی / محمدعلی خاتم پادشاهی / ۱۳۲۴»

۱/ چون خداوند کریم جلّت آلائه و عظمت نعمائه. همایون ذات فرخنده سمات ما را واسطه امن و امان و رابطه عدل و احسان فرمود ۲/ و انوار معدلت و اجرای قوانین ممالک ایران را در سایه وجود مسعود مالمع و طالع نمود و به اقتضای حکمت بالغه خود تولیت امور و تربیت جمهور را در ظل توجهات سنیه ملوکانه ما مقرر داشت. به شکرانه مواهب و عطایای الهی اشاعه عدل ۳/ و انتصاف و إزاحه جور و اعتساف را از وظایف معدلت و قدرت خود شمرده، حفظ قانون و نظم امصار و بلاد و جمع اشتات و عباد را که از فریض رموز سلطنت و شرایط اصول جهان بانی و سیاست است بر ذمت همّت ملوکانه واجب می‌دانیم. و از آنجاکه ۴/ اجرای این نیت مقدس را وساطت چاکران مّهذب و خردمندان مجرب لازم است که سیاست خلق و حیازت حوزه ملک و تأمین بلاد و ترفیه کافه عباد به وجه احسن نمایند. و در اجرای سیاسیات و اصلاح امورات همواره طریق عدل ۵/ و راستی پیمایند؛ تا به حسن فطرت و کمال دیانت و امانت [انها] آثار ظلم و عناد از حوزه ملک زایل و نشر قوانین عدالت و راحت افراد خلق چنانکه منظور نظر مهرپرور ماست بر وجه اکمل حاصل گردد. و در این موقع که ترتیب امورات فرمان‌فرمایی مملکت خراسان ۶/ با ملاحظات اسرار سیاسی که در امر فرمان‌فرمایی

۱. علی نقی میرزا فرزند محمدتقی میرزا رکن‌الدوله که با درگذشت پدرش در ۱۳۱۸ق لقب رکن‌الدوله به او تفویض شد.

* با سپاس از جناب هادی زاهدی (ریاست محترم مرکز اسناد آستان قدس رضوی) که امکان رؤیت سند را فراهم آوردند و خانم الهه محبوب فریمانی برای معرفی، روگرفت و ارسال سند و خانم عذرا یوسفی و آقای امیر منصوری که در ارسال برخی منابع یاری رسان ما بودند. دوست گرامی، عمادالدین شیخ‌الحکمایی به مانند همیشه با بزرگواری تمام نکاتی را یادآور شدند که در نگارش مقاله راهگشا بود و سپاس ویژه از خانم فاطمه خندان، برای همکاری و پیگیری مجدانه‌شان که بی لطف ایشان مقاله به سرانجام نمی‌رسید.

آنجا منظور و انتظام محل و تأمین نفوس اهالی آنجا مقتضی عطف نظر و توجه مخصوص ملوکانه ما گردیده. لازم آمد یک نفر از فدویان خاصِ آستانِ معدلت بنیان که طرف وثوق و اعتماد و محل کمال اطمینان خاطر مهرمظاهر ۷/ ملوکانه ما باشد به فرمان فرمایی آنجا مأمور و منصوب فرماییم؛

لهذا نظر به مراتب حسن رفتار و صحت اعمال و کمال امانت و دیانت و مدارج کفایت و سابقه اطلاعات در امور ایالتی خراسان، نور چشم اعزّ ارجمند اشرف اسعد کامگار، فدوی خاص دولت ۸/ جاوید اختصاص رکن الدوله که غصنی از اغصان شجره کریمه سلطنت و فرعی از فروع دوحه شریعه خلافت است و در خدمات دولتی تحصیل تجارب و اطلاعات کامله نموده و به حسن تدبیر و مزید قدرت، مخصوص و ممتاز شده است. از تاریخ صدور این فرمان قضانشان مبارک ۹/ و تصویب نور چشم ارجمند اشرف امجد اسعد ارفع امنع کامگار، فدوی دولت خواه عبدالحسین میرزا فرمان فرما، وزیر داخله فرمان فرمایی مملکت خراسان را که از مشاغل معظمه دولتی است به عهده کفایت و کفالت آن نور چشم ارجمند دولت خواه محول و واگذار فرمودیم تا بر وفق نیات ۱۰/ مقدسه همایون ما در اصلاح امور مملکتی و اجرای قوانین ملی، شرایط اهتمام و صداقت به عمل آورده، مراسم رفت و رحمت را کاملاً در آن نواحی منتشر و مشهور سازد. و در ایجاد نظامات و اعاده نظم و امنیت آن مملکت از وظایف درستی و درست کاری فروگذار نکند. و قاطبه اهالی را به حسن اقدامات خود مستمال ۱۱/ و ممنون و در کلیه امورات از نظم محل وصول و ایصال مالیات و تأمین طرق و شوارع و تنبیه متمرّدین و مرتکبین فساد، جهدی وافی به عمل آورد.

مقرر آنکه عموم علمای اعلام و حکام جزو مملکت خراسان و اعیان و خوانین و اهالی آنجا معزی الیه را فرمان فرمای مملکت خراسان دانسته، از امر و نهی او تخلف ننمایند.

[فی] ربیع الثانی تخاقوی ثیل ۱۳۲۷

توشیح رویه سند: سمت چپ و زیر انتهای سطر اول، توشیح محمدعلی شاه به صورت امضاء قرار دارد.

مهرهای پشت سند:

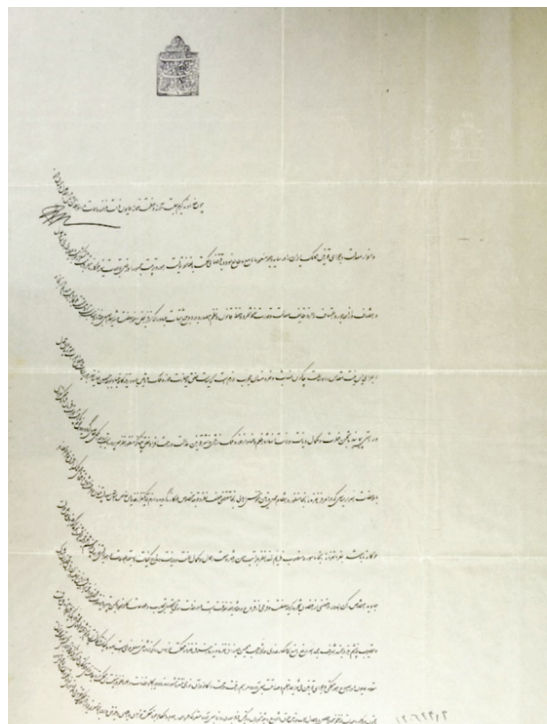
۱. [مهر:] «وزارت داخله / ۱۳۲۷». طبق تصریح متن فرمان، این مهر وزارتی در این تاریخ از آن عبدالحسین میرزا فرمان فرما، وزیر داخله است.

۲. [مهر:] «ورود بدفتر مخصوص شاهنشاهی / بتاريخ ۸ شهر جمادی الاول تخاقوی ثیل / ۱۳۲۷»
زیر مهر: نمره ۷۷۸۳ (تصویر ۲)

۱. تاکنون قاعده‌ای برای چگونگی انتقال و نگارش مهرهایی که بخشی از آن به صورت چاپی و بخشی به صورت دست‌نویس بر روی اسناد به کار رفته وضع نگردیده است؛ پیشنهاد ما برای انتقال و نگارش آن‌ها: استفاده از حروف تیره (Bold) برای قسمت‌های چاپی و حروف نازک (Regular) برای قسمت‌های دست‌نویس است که به این ترتیب از یکدیگر تفکیک می‌گردند.



تصویر ۲: ورود به دفتر مخصوص شاهنشاهی /
۸ شهر جمادی الاول تخاقوی ثل ۱۳۲۷



تصویر ۱: فرمان محمدعلی شاه جهت انتصاب
رکن الدوله به فرمان فرمایی خراسان

تحلیل سند

تحلیل صورتی

با دقت در سمت راست و بالای فرمان، نقش برجسته شیر و خورشید و تاج که پایین آن با خط نستعلیق نوشته شده «فرمان همایون» مشاهده می شود؛ مشخصه ای متمایز از دیگر فرمان های محمدعلی شاه. اندازه این مهر برجسته ۳×۴ cm است. نخستین بار محمدعلی کریم زاده تبریزی این نقش برجسته را معرفی نمود و از آن به عنوان طغرای سلطنتی محمدعلی شاه نام برده است. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۵: ۴۱۲)

از آنجایی که تاریخ فرمان مجموعه کریم زاده تبریزی محرم ۱۳۲۷ق و تاریخ فرمان مجموعه آستان قدس ربیع الثانی ۱۳۲۷ق است، به نظر می رسد محمدعلی شاه، در چند ماه آخر سلطنت برای فرمان هایش از این مهر برجسته به عنوان جایگزینی برای طغرا استفاده کرده است. رایج بودن عنوان طغرا برای علامت های چاپی که با عبارت «فرمان همایون» همراه است و در بالای برخی فرمان های دوره قاجار قرار دارد، باعث می شود اطلاق نام طغرا، برای این مهر برجسته ها نیز درست به نظر آید. با این همه، توضیحات کریم زاده تبریزی اندکی مغشوش و اشتباه است، چراکه از آن به عنوان تصویر باسمه ای و علامت چاپی نام می برد، (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۵: ۴۱۲) حال آنکه نه باسمه ای است و نه چاپی، بلکه در حقیقت مهر برجسته است. بنابراین، عنوان دقیق آن طغرای

مهربرجسته است.^۱

از این گونه فرمان های محمدعلی شاه، در مراکز اسناد، کتابخانه ها و مجموعه های خصوصی ایران تاکنون گزارش یا معرفی ای صورت نگرفته و یا شاید هم دقت کافی برای پیدایی و معرفی آن ها به عمل نیامده است. جهانگیر قائم مقامی در مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی آورده است: «آخرین طغرای که دیده شده متعلق به مظفرالدین شاه می باشد و پادشاهان بعدی یعنی محمدعلی شاه و سلطان احمدشاه طغرا نداشتند و فرمان ها را فقط به مهر پادشاه و توشیح او می رسانیدند».^۲ (قائم مقامی، ۱۳۹۴: ۲۱۷) کریم زاده تبریزی نیز نوشته است: «طغرای ارقام دوران ولیعهدی محمدعلی میرزا... (حکم والا شد) بوده ولی... ذیل فرامین سلطنتی وی [محمدعلی شاه] تاکنون طغرای مشاهده نشده». (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۵: ۴۱۲) رضا فراستی نیز به صورت کلی آورده است: «این رسم از دوره فتحعلی شاه آغاز شده بود و تا دوره محمدعلی شاه رواج داشته است». (فراستی، ۱۳۷۸: ۲۷۷) و تنها، نمونه طغرای چاپی محمدعلی شاه را معرفی نموده، بی آنکه نمونه ای ارائه کند. از دیگر موارد نیز سخنی به میان نیاورده است. (فراستی، ۱۳۷۸: ۲۷۸)

جمع بندی یافته ها و نتیجه تحقیقات ما در رابطه با طغراهای دوره محمدعلی شاه متفاوت، کامل تر و به شرح زیر است: طغرای دوره ولیعهدی محمدعلی میرزا (حکم والا شد) بوده است. (تصویر ۳) نمونه هایی از آن در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران موجود است: (ساکما، آلبوم بیوتات: ک، ۱۵۳، ۹۸-۳۸) و (ساکما، ۲۹۹-۹۹۷). چند نمونه نیز در مجموعه کریم زاده تبریزی آورده شده است. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۸۵: ۴۱۲)



تصویر ۳: طغرای دوره ولیعهدی محمدعلی میرزا (حکم والا شد)

طغراهای دوران پادشاهی محمدعلی شاه

هرچند تعدادی از فرمان های محمدعلی شاه فاقد طغرا هستند، اما نمونه هایی که در آن ها از طغرا استفاده شده به شرح زیر است:^۳

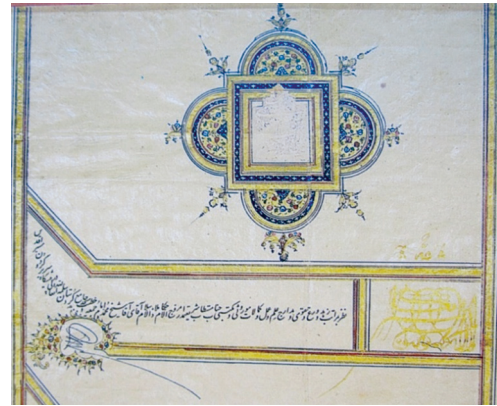
۱. محققان این گونه مهرها را مهر خشک نامیده اند که اسمی غیر اصولی و بی پشتوانه است، ترجیح ما کاربرد اسم «مهر برجسته» است که هم خوان با ماهیت اجرایی و بصری آن است.
۲. در ارجاع مستقیم از منابع، رسم الخط اصلی حفظ گردیده است.
۳. فراستی در مقاله «آشنایی با فرمان ها و رقم های دوره قاجاریه» از گونه ای طغرای چاپی: (بفضل و عنایت خداوند متعال / محمدعلی شاه قاجار / شاهنشاه کل ممالک ایران) یاد می کند. (فراستی ۱۳۷۸: ۲۷۸) بی آنکه تصویری از آن ارائه کند. این گونه طغرا را پس از تحقیق، نه مشاهده کردیم و نه گزارشی از آن یافتیم. از این رو، آن را در شمار طغراهای محمدعلی شاه نیاورده ایم.

۱. طغرای دستی کشیده شده با طلا: (الملك لله تعالى حکم همیون شد). (ساکما، ۳۴۹-۹۹۷) (تصویر ۴)
۲. طغرای مهربرجسته: تصویر (شیر و خورشید و تاج / فرمان همایون) (تصویر ۵) فرمان معرفی شده در این مقاله.

نکته‌ای دیگر که در تحلیل صوری اسناد از نگاه محققان مغفول مانده، محل قرارگیری مهر وزیر یا وزارتخانه مسئول در پشت این‌گونه فرمان‌ها است. با مشاهده پشت این سند و بسیاری فرمان‌های دیگر، به وضوح می‌توان دید، مهر وزیر یا وزارتخانه مسئول در سمت راست و بالای سند قرار دارد؛ درست در همان جایی که در رویه سند توشیح شده است.



تصویر ۵: طغرای مهربرجسته: تصویر (شیر و خورشید و تاج / فرمان همایون)



تصویر ۴: طغرای دستی کشیده شده با طلا: (الملك لله تعالى حکم همیون شد)

تحلیل محتوایی فرمان

تاریخ صدور فرمان (ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق) دقیقاً مصادف است با چندین رویداد مهم سیاسی: ناامنی و هرج و مرج، شورش و اعتراض، اتحاد ملیون و پیشروی آن‌ها به سمت تهران و دخالت کشورهای بیگانه در امورات داخلی. همگی این رویدادها باعث گردید محمدعلی شاه در (۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق / ۵ می ۱۹۰۹م) دست خطی برای احیای دوباره اساس مشروطیت و بازگشایی مجلس ملی صادر و اعلان عمومی نماید. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: بخش دوم/۴۰۰) تمهیدی مزورانه و از سر اجبار که به هیچ عنوان روی دل و عمل بدان نداشت. با واشکافی سند و تحلیل آن می‌توان انعکاس هر یک از موارد ذکرشده را به نوعی در این فرمان مشاهده کرد که خود نمایانگر وضعیت بحرانی کشور و افشاگر چگونگی افکار و برخورد نهاد سلطنت با این موارد است.

به عنوان مثال، تأکید چندین باره بر نظم و امنیت در این فرمان، همچون «نظم امصار و جمع اشتات عباد»، «تأمین بلاد»، «انتظام محل و تأمین نفوس اهالی»، «ایجاد نظامات و إعادة نظم و امنیت»، «تأمین طرق و شوارع و تنبیه متمردين و مرتکبین فساد» نشانگر ناامنی و هرج و مرج فزاینده در این دوره و یا تأکید چندین باره بر

۱. تصویری از فرمانی با این طغرا در کتاب جلوه‌های هنر ایرانی در اسناد ملی نوشته حسن شهرستانی، صفحه ۲۱۹، آمده است.

قانون همچون «اجرای قوانین ممالک ایران»، «حفظ قانون»، «نشر قوانین عدالت و راحت افراد»، «تا بر وفق نیات مقدسه همایون ما در اصلاح امور مملکتی و اجرای قوانین ملی» در جهت فریب افکار عمومی و نمایانگر برخورد ریاکارانه و سوءاستفاده از لفظ قانون است که در این مقطع به خاطر آن همگان و از همه سو، ارکان سلطنت را به لرزه درآورده بودند و یا آنکه در فرمان آمده است: «در این موقع که ترتیب امورات فرمان‌فرمایی مملکت خراسان با ملاحظات اسرار سیاسی که در امر فرمان‌فرمایی آن‌ها منظور» بی‌گمان بخش مهمی از این «ملاحظات اسرار سیاسی» ناظر به دخالت و حمایت روسیه در انتخاب رکن‌الدوله برای حکمرانی خراسان است. کما اینکه در کتاب نارنجی آمده است: «علی‌رغم مشورت نمایندگی امپراتوری، حاکم خراسان، رکن‌الدوله را که چندین سال بود با فعالیت مدبرانه‌اش در خراسان آرامش برقرار کرده بود، با یک نفر شاهزاده بی‌استعداد بنام نیرالدوله عوض کرده است [...] نمایندگی امپراتوری درباره انتصاب غیرمنتظره والی، به شاه اعتراض و ضمناً درخواست کرد که به هنگام انتصاب والیان، قبلاً اسامی آنان به این نمایندگی اعلام گردد و درباره آن‌ها، با نمایندگی مشورت شود» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۶: ۱۲۱/۲-۱۲۰). «بر اثر اعلام نمایندگی، مبنی بر اینکه انتصاب نیرالدوله به سمت حکمران خراسان مورد تأیید دولت امپراتوری قرار نمی‌گیرد، شاه، شاهزاده رکن‌الدوله را که در اوضاع کنونی چهره مناسبی برای این منظور تشخیص داده می‌شود، دوباره برای مشهد انتخاب کرده است». (همان: ۱۷۰/۲)، در کتاب آبی نیز در همین مضمون می‌خوانیم: «تا آخر فوریه همچو می‌نمود که چنانچه سفارتین به دولت ایران توصیه نموده‌اند تعیین رکن‌الدوله به ایالت خراسان در عید نوروز تجدید خواهد شد». (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۴۶۷/۲)

در روزنامه خاطرات عین‌السلطنه^۱ آمده است: «روس‌ها برعکس نیرالدوله با رکن‌الدوله خوب بودند، حالا هم به تصویب آن‌ها حاکم شد. خراسانی‌ها چون مطلب علنی شد تلگرافاتی کردند و آنجا را برهم زدند». (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۵۵۶/۳) با وجود بحران و مسائلی که کشور را فراگرفته بود و بخش‌های آن در فرمان مشاهده می‌شود، چنان شد که دو ماه بعد آزادی‌خواهان پایتخت را تسخیر و سلطنت محمدعلی شاه را واژگون کردند. سرنگونی و خفت تاریخی پایان محتوم هر پادشاه و رهبر و حاکمی است که زور، تهدید و فریبکاری را دستمایه خود قرار دهد و منافع بیگانگان را بر مصالح ملی ارجح بداند و بر حاکمیت ملی، آزادی و خواست‌های ملت‌اش طغیان کند. برآیند حکم تاریخ چنین است، هرچند زود یا دیر.

پی‌گرفت سند

مسئله و تاریخ‌های حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان: با پیدایی این فرمان، نخستین مسئله‌ای که می‌بایست به صورت مستدل و مستند ارائه شود، تاریخ‌های حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان است. یادآور می‌شویم که ما در اینجا تنها به دوره‌های دوم و سوم^۲ (از ۱۳۲۵ق تا ۱۳۲۸ق) حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان می‌پردازیم که حول

۱. عین‌السلطنه نظر به سابقه دوستی و مراودات دیرینه با رکن‌الدوله، اطلاعات بسیط و دست‌اولی از مناسبات و احوال حکمرانی او در خراسان به دست می‌دهد. این کتاب با وجود آنکه منبع خوبی برای پژوهش درباره رکن‌الدوله است، تا به حال مورد استفاده قرار نگرفته است.

۲. دوره‌های دیگر حکمرانی رکن‌الدوله: ۱۳۲۲-۱۳۲۱ق، ۱۳۳۰-۱۳۲۹ق.

محور زمانی و وقایع فرمان این مقاله است. برای دستیابی به این منظور، ابتدا تاریخ‌های حکمرانی او از دو کتاب عمومی در شرح و احوال رجال سیاسی که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند را آورده و سپس چهار کتاب که به صورت اختصاصی و ویژه به تاریخ، وقایع و حاکمان خراسان پرداخته‌اند را نام برده‌ایم.

۱. شرح رجال ایران، تألیف مهدی بامداد: «علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله [...] در سال ۱۳۲۱ ق پس از عزل سلطان‌حسین میرزا نیرالدوله از حکومت خراسان بجای وی والی خراسان گردید. و تا سال ۱۳۲۲ ق حاکم خراسان بود [...] در سال ۱۳۳۰ ق [...] در این ایام رکن‌الدوله حاکم خراسان بود پس از استقرار آرامش در این سال از حکومت معزول و به جای او سلطان‌حسین میرزا نیرالدوله برای بار دوم حاکم خراسان شد». (بامداد، ۱۳۵۷: ۴۹۹/۲)

۲. القاب رجال دوره قاجاریه تألیف کریم سلیمانی: رکن‌الدوله «وی از سال ۱۳۲۱ ق تا ۱۳۲۲ ق والی خراسان بود و در سال ۱۳۳۰ ق حاکم همین ایالت نیز شد». (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۶۹)

۳. والیان خراسان در عصر قاجار، تألیف محمد رضا بختیاری: علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله «در سال ۱۳۲۱ ق پس از عزل سلطان حسین میرزا نیرالدوله به حکومت خراسان منصوب گردید و تا سال ۱۳۲۳ ق در این سمت باقی ماند. علی‌نقی میرزا پس از حکومت خراسان به حکومت کرمان منصوب شد و در سال ۱۳۲۹ ق مجدداً به حکومت خراسان انتخاب و منصوب گردید». (بختیاری، ۱۳۹۲: ۹۹)

۴. تقویم تاریخ خراسان (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)، تألیف غلامرضا جلالی: «عزیمت رکن‌الدوله، والی معزول خراسان به تهران. ۱۲۸۷/۱۲/۱۴ [مطابق با] ۱۲ صفر ۱۳۲۷ [...] صدور فرمان شلیک از طرف رکن‌الدوله به پشت‌گرمی روس‌ها و تخریب محله سرشور. گلوله‌های توپ به مسجد گوهرشاد و حرم حضرت رضا (ع) نیز اصابت کرد. ۱۲۸۸/۳/۴ [مطابق با] ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۷». (جلالی، ۱۳۷۷: ۱۹-۱۸)

۵. سالشمار وقایع مشهد. در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، تألیف محمد تقی مدرس رضوی: «در سال ۱۳۲۵ ق آصف‌الدوله معزول و رکن‌الدوله به ایالت منصوب و وارد شد و تقریباً یک سال مدت ایالت وی امتداد یافت [...] در اواخر ۱۳۲۷ یا اوایل ۱۳۲۸ رکن‌الدوله معزول شد و غلامحسین غفاری (صاحب‌اختیار) به ایالت منصوب و در ذیحجه ۱۳۲۸ وارد شد». (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۲۵-۲۲۴)

۶. تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان، از آغاز قاجار تا پایان پهلوی، تألیف محمود فاضلی بیرجندی در گزارش ۱۳۲۵ ق آورده است: «پس از عزل آصف‌الدوله، علی‌نقی میرزا باز به حکومت خراسان نصب و وارد مشهد شد. این دوره حکومت او تقریباً یک سال امتداد یافت». (فاضلی بیرجندی، ۱۳۹۹: ۲۴۴) در گزارش ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق آورده است: «گزارش دولت روسیه حاکی است که علی‌نقی میرزا، رکن‌الدوله، در ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق خراسان بوده [...] علی‌نقی میرزا در ۱۶ جمادی‌الاول / ۲۶ خرداد آن سال وارد مشهد شد». (همان: ۲۵۰) «حکومت رکن‌الدوله در خراسان تا حدود نزدیک به یک سال به درازا کشید. چون والی بعدی در صفر سال بعد قمری / اسفند ۱۲۸۸ خورشیدی به خراسان آمده است». (همان: ۲۵۲)

اکنون با استناد و استفاده از چند منبع اصلی و معتبر که با اسناد اصلی تاریخی در مضمون و تاریخ

هم‌پوشانی دارند و مکمل یکدیگرند، تاریخ‌های دقیق حکمرانی رکن‌الدوله را یادآور می‌شویم:

۱۲. ۱ محرم ۱۳۲۵ق، «حکومت خراسان تفویض به شاهزاده رکن‌الدوله شده است». (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: بخش دوم/۹۷) گزارش ۲۴ محرم ۱۳۲۵ق، «حکومت خراسان را به رکن‌الدوله دادند». (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۶۷)

۸. ۲ صفر ۱۳۲۷ق، «روز هشتم شهر صفر، که رکن‌الدوله معزول شده است». (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: بخش دوم/۳۹۱) گزارش ۵ تا ۱۲ صفر ۱۳۲۷ق، «علی‌رغم مشورت نمایندگی امپراتوری، حاکم خراسان، رکن‌الدوله را که چند سال بود با فعالیت مدبرانه‌اش در خراسان آرامش برقرار کرده بود، با یک نفر شاهزاده بی‌استعداد بنام نیرالدوله عوض کرده است». (کتاب نازنجی، ۱۳۶۶: ۱۲۰/۲)

۳. ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، فرمان محمدعلی شاه در انتصاب رکن‌الدوله برای حکمرانی خراسان. (فرمان این مقاله) ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، «حکومت خراسان هم راجع به رکن‌الدوله شد». (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: بخش دوم/۴۱۲) ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، «حکومت و فرمانفرمایی خراسان را چهار روز است به رکن‌الدوله مرحمت فرموده‌اند». (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۵۰/۸/۳)

۱۶. ۴ رجب ۱۳۲۸ق، «رکن‌الدوله با اینکه کسی برای نشستن جای ایشان وارد نشده در ۲۳ ژوئیه [۳ تیر؛ ۱۶ رجب] از مشهد حرکت نمودند». (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۹۳۰/۴) ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ق، «حکومت خراسان دو ماه است به صاحب اختیار شده و هنوز نرفته است». (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۲۲۸/۵)

بنابراین، از تاریخ ۱۲ محرم ۱۳۲۵ق تا ۸ صفر ۱۳۲۷ق، دوره دوم و از تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق تا رجب ۱۳۲۸ق، دوره سوم حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان بود؛ سال‌هایی مقارن با آشوب و درگیری‌های بسیار بین طرفداران و مخالفان مشروطه. با مشخص شدن این تاریخ‌ها بهتر می‌توان مناسبات رکن‌الدوله را با نهضت مشروطیت مشهد واشکافی کرد. تطبیق اطلاعات این گاه‌شمار با گزارش و اطلاعات شش کتاب فوق نشان می‌دهد در سه کتاب اول مطلقاً هیچ‌یک از حکمرانی دوره دوم و سوم رکن‌الدوله در خراسان نشده است. سه کتاب آخر نیز به ذکر دو تاریخ بسنده کرده‌اند که نارسا و نابه‌سامان هستند و همچنین در ماه و سال زمان حکمرانی او نادرستی‌های بسیار صورت گرفته است.^۱ کمبود، آشفتگی و اشتباهات این کتاب‌ها در بازه زمانی مورد اشاره، اعتبار علمی و صحت تاریخی این منابع را دستخوش تردید کرده است.

۱. محمدحسن ادیب هروی در دو کتاب الحدیقه‌الرضویه و تاریخ انقلاب طوس هیچ‌یک از وقایع این سال‌ها نکرده است. انقلاب طوس: واکاوی جسارت ارتش تزار به حرم مطهر رضوی به روایت محمدحسن ادیب هروی و ستار شهوازی (بختیاری) تنها کتابی است که در قسمت یادداشت‌ها و پی‌نوشت‌ها صفحه ۱۴۱ اطلاعات درستی از تاریخ‌های حکمرانی رکن‌الدوله از این دو دوره آورده است، البته بدون ذکر منابع و شرح وقایع این دوره‌ها. از منابع دیگر در این زمینه، می‌توان به مقاله علی‌نقی میرزا، ذیل مدخل «رکن‌الدوله» در دانشنامه جهان اسلام و مقاله «رکن‌الدوله‌ها» نوشته حسین سعادت نوری اشاره کرد. در این مقاله‌ها نیز کمبود و اشتباهاتی در سال‌های حکمرانی رکن‌الدوله در مشهد مشاهده می‌شود.

سنجش منابع و برداشت اشتباه از یک منبع ادبی تاریخی

کتاب تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت آن سروده میرزا رجبعلی متخلص به تجلی سبزواری، منبعی اولیه و بسیار بااهمیت است و اطلاعات ارزنده و موثقی را در بردارد که شامل بیت‌هایی ناظر بر دوران حکمرانی رکن‌الدوله، نصب و عزل او و شرح وقایع مشروطه خراسان است:^۱

رکن دولت که باکفایت بود والی آنروز در ولایت بود

...

اندر این بین والی معقول رکن دولت ز طوس شد معزول
ارگ چون شد ز حضرتش خالی نیرالدوله نیز شد والی

...

نیرالدوله سوی ری برگشت رکن دولت دوباره والی گشت

(تجلی سبزواری، ۱۳۲۷)

بیت‌هایی که دقیقاً با وقایع و رویدادهای ذکرشده در گاهشمار تاریخی و فرمان معرفی شده ما مطابقت دارند. ذکر این کتاب نخستین بار توسط ابوالفضل حسن‌آبادی در مقاله «انجمن‌های سیاسی و فرهنگی خراسان در عصر مشروطیت» آمده است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۱: ۵۴-۲۷) و سپس در مقاله «تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت؛ نقد و بررسی یک نسخه منظوم از مشروطه خراسان» به صورت مشروح به این کتاب پرداخته است. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۵: ۷۵-۶۸) سومین بار در مقاله «تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت» متن اصلی منظومه را که شامل ۵۴۹ بیت است خوانش و آورده است. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۸: ۹۷۸-۹۵۹) نتیجه آنکه، فضل تقدم در خوانش متن و چاپ منظومه از آن حسن‌آبادی است که عملی ارزنده است و روشن‌گر پاره‌ای موارد درباره نهضت مشروطیت خراسان.

تأکید ما بر اهمیت چاپ منظومه رجبعلی تجلی سبزواری، توسط ابوالفضل حسن‌آبادی برای نخستین بار، از آن روست که طی اتفاقی حیرت‌آور، یک سال بعد و دقیقاً در همان مجله پیام بهارستان مقاله‌ای به نام فرشته کوشکی با عنوان «تاریخ انقلاب خراسان؛ گزارشی از حمله روس‌ها به حرم امام رضا علیه السلام» به چاپ رسیده است که در آن دوباره متن منظومه و چند شعر کوتاه دیگر کتاب رجبعلی تجلی سبزواری را آورده است.^۲ (کوشکی، ۱۳۸۹) بی‌آنکه از انتشار این منظومه در چند شماره پیشتر، هیچ‌گونه یادی بکند. او با آوردن این جمله در ابتدای مقاله «تاکنون چند رساله و مقاله در پیام بهارستان از میرزا رجبعلی تجلی منتشر شده و این بار اشعار وی درباره انقلاب خراسان تقدیم خوانندگان می‌شود» (همان: ۷۴)، به تمامی کشف و ارائه منظومه را مصادره به شخص کرده است. این یعنی پایبند نبودن به صداقت و امانت علمی.^۳

۱. نسخه اصلی کتاب مورد استفاده ما، در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ بوده و با شماره ثبت ۶۱۴۲ قابل بازیابی است.

۲. نویسندگان هر دو مقاله در خوانش و چاپ منظومه دارای اشتباهاتی هستند.

۳. رسول جعفریان در همین شماره مجله، مقاله‌ای با عنوان «منظومه طالب‌نامه» منتشر کرده و در آن پیشینه‌ای از چاپ نوشته‌ها در رابطه با تجلی سبزواری آورده است، اما او نیز هیچ‌گونه ذکر از مقاله‌ها و چاپ «منظومه تاریخ انقلاب خراسان» سروده تجلی سبزواری، توسط ابوالفضل حسن‌آبادی نکرده است.

نکته اصلی اما استنباط اشتباه نویسندگان هر دو مقاله است از شرح وقایع مستتر در منظومه تجلی سبزواری. استنباط نهایی نویسندگان بر آن است که منظومه، شرح وقایع شورش مشهد و در انتها ماجرای حمله روس‌ها به حرم رضوی و به توپ بستن آن در ۱۳۳۰ق است. حسن‌آبادی در پی نوشت مقاله‌اش آورده است «نکته‌ای که در این کتاب سال سراییدن آن را با ابهام روبرو می‌کند، اشاره کتاب به گلوله باران حرم و حوادث منجر به آن است که در سال‌های ۱۳۲۹ق و ۱۳۳۰ق رخ داده است و ذکر آن در سال ۱۳۲۷ق موضوعیت ندارد و مگر این که کتاب بعد از سال ۱۳۲۷ق چاپ شده باشد که البته در صفحه اول چاپ آن در سال ۱۳۲۷ق آمده است». (حسن‌آبادی، ۱۳۸۸: ۹۷۷) حال آنکه نه سال سراییدن آن مبهم است و نه شرح گلوله باران حرم در کتاب، مربوط به سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۹ق است و همچنین کتاب نیز در سال‌های بعد چاپ نشده است.

کوشکی نیز منظومه را شرح واقعه به توپ بسته شدن حرم مطهر در ۱۳۳۰ق استنباط کرده است، همچنانکه در عنوان مقاله‌اش «تاریخ انقلاب خراسان: گزارشی از حمله روس‌ها به حرم امام رضا علیه السلام» بر این نکته تأکید کرده و «پیش از متن» نوشته‌ای در مقدمات و شرح حادثه به توپ بستن حرم در ۱۳۳۰ق در ابتدای مقاله‌اش آورده است. کوشکی از نوشته‌ای که بیشتر آن به اذعان خودش، از مقاله‌ای دیگر برداشته شده، و البته در جای خود معتبر است، به عنوان مقدمه‌ای در ارتباط با رویدادهای تاریخی شرح داده شده در منظومه رجبعلی تجلی سبزواری استفاده کرده است، به طور کلی این مقدمه ارتباطی با وقایع شرح داده شده در منظومه ندارد و سربه سر نامربوط و بی معنی است. در انتهای مقدمه و در معرفی کتاب نیز باز با تأکیدی خطا می‌نویسد: «تاریخ انقلاب خراسان نوشته دیگری است که به روایتگری این حادثه از زبان فردی که خود در جریانات حضور داشته به نظم بیان شده است. از این جهت این اشعار دارای اهمیت زیادی است. تجلی خود در این ایام حضور داشته و همچنین از آزادیخواهان و طرفداران مشروطه نیز بوده است». (کوشکی، ۱۳۸۹: ۷۶) استنباط و شرح اشتباه نویسندگان مقاله‌ها در ارتباط با تاریخ و رویدادهای ذکر شده در منظومه تجلی سبزواری را می‌توان با خوانش دقیق منظومه و تطبیق آن با دیگر منابع تاریخی همزمان مشخص کرد^۱ که در ادامه به آن پرداخته‌ایم.

مسئله تاریخ سرایش و چاپ منظومه

در صفحه نخستین کتاب رجبعلی تجلی سبزواری، تاریخ «سنه ۱۳۲۷» قید شده و در صفحه پایانی آن نیز عبارت «تمام شد کتاب مستطاب تاریخ انقلاب خراسان در شهر شعبان المعظم سنه یک هزار و سیصد و بیست و هفت هجری ۱۳۲۷ و برحسب خواهش و سفارش جناب مؤلف معظم بزیور طبع آراسته شد» آمده است. (تصویر ۶، ۷) به غیر از اینها، ابیات پایانی منظومه شرح رویدادهای خلع و سرنگونی محمدعلی شاه و آغاز سلطنت احمدشاه قاجار است و گویای دقیق تاریخ سرایش که همزمان با یکدیگرند:

۱. مقاله نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد، نوشته غلامرضا جلالی.
۲. اگرچه تاریخ‌های وقایع در منظومه ذکر نشده است، اما با استفاده از شواهد، قراین و منابع معتبر می‌شود ترتیب وقایع و تاریخ‌های آن‌ها را به درستی به دست آورد.

چند روزی برفت چون ز میان

تلگرافی رسید از طهران

...

اندران تلگراف بود رقم
عزل گردید از جهانبانی
کرده خود را ز سلطنت مأیوس
پور والا نژادش (احمدشاه)

که مهین خسرو بزرگ عجم
خلع شد از سریر سلطانی
حاليا رفته در سفارت روس
زد قدم بر فراز مسند و گاه

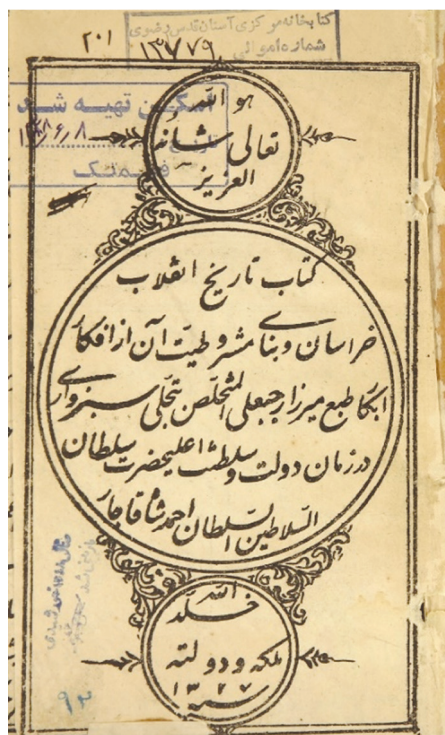
...

شد در اینجا شکسته سر خامه
سال پایان او بود بشمار

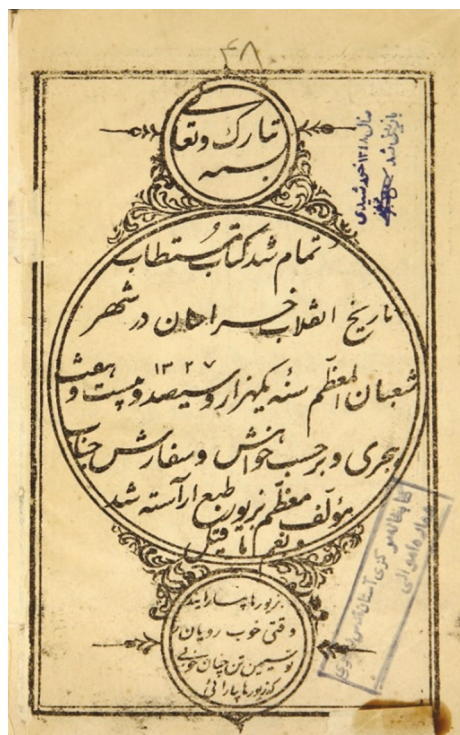
خوش پایان رسید این نامه
سیصد و بیست و هفت بعد هزار

(تجلی سبزواری، ۱۳۲۷)

با توجه به رویدادهای شرح داده شده به ویژه این ابیات و تاریخ های تصریح شده در کتاب، هیچ گونه ابهام و شکی در تاریخ سرایش و چاپ کتاب که در ۱۳۲۷ ق است، باقی نمی ماند.



تصویر ۶: صفحه نخستین کتاب رجبعلی تجلی سبزواری



تصویر ۷: صفحه پایانی کتاب رجبعلی تجلی سبزواری

نتیجه آنکه، تمامی رویدادهایی نیز که در منظومه از آن سخن به میان می آید متعلق به قبل از ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق، یعنی زمان سرنگونی محمدعلی شاه است. کما اینکه چاپ کتاب هم دو ماه بعد و در ماه شعبان صورت پذیرفته است. بنابراین، ارتباط دادن منظومه و شرح حوادث جاری در آن به وقایع ۱۳۳۰ ق و واقعه به توپ

بستن حرم رضوی در آن سال یکسره بر خطاست. نکته‌ای که پژوهشگران نهضت مشروطیت مشهد از آن غافل مانده و درصدد تحقیق دقیق، چگونگی وقوع و روشنگری آن برنیامده‌اند، مشارکت سربازان روسیه در تعدی نخست به حرم رضوی در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق است. این واقعه در ابیاتی از منظومه و قبل از شرح حادثه فتح تهران در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق آورده شده است:

عاقبت گشت اندر آن پیکار	کار بر ارگیان بی‌دین زار
خواستند آن جماعت بدکیش	روسیان را پی حمایت خویش
روس‌هایی که دشمن دین‌اند	دشمن دین و خصم آئین‌اند
تیر را بر نشان هدف کردند	با مسلمانان طرف کردند
توپ‌های مسلسل دم دم	بسته شد روبروی صحن و حرم
معبد شیعیان ایران را	گنبد حجت خراسان را
روسیان ظلم بر علن کردند	هدف توپ خویشان کردند
خلق را زین مصیبت عظمی	رفت آوای گریه تا بسما

(تجلی سبزواری، ۱۳۲۷)

در همین تاریخ، درستی و اصالت این گزارش را سه منبع همزمان بازگو و تأیید می‌کنند. کتاب تاریخ‌گذاری ایرانیان در گزارش روز چهارشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق آورده است: «اهالی مشهد تلگراف کرده‌اند که رکن‌الدوله به مردم شلیک کرده و گلوله توپ هم به گنبد منور رضوی گرفته است و ما با سالدات روس طرف هستیم تکلیف چه است؟» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: بخش دوم/۴۷۲) و در گزارش روز پنجشنبه ۱۲ جمادی‌الثانی نیز آورده است: «امروز بازارهای طهران را بستند. علی‌الظاهر می‌گویند برای واقعه مشهد است که به حرم مطهر شلیک کرده‌اند، ولی درواقع برای آمدن مجاهدین است». (همان: ۴۷۲) کتاب نازنجی در گزارش روز یکم ژوئیه، مطابق با ۱۲ جمادی‌الثانی آورده است: «تمام بازارها تعطیل شده و ادارات اعتصاب کرده‌اند [...] ضمناً به بهانه وجود افسران روسی در بریگاد قزاق و بمباران گنبد مسجد امام رضا در مشهد، علیه روس‌ها تبلیغات شدیدی به عمل می‌آید» (کتاب نازنجی، ۱۳۶۶: ۲/۲۳۳) عین‌السلطنه در کتاب روزنامه خاطرات خود برای روز پنجشنبه ۱۲ جمادی‌الثانی آورده است: «سید مجتبی می‌گفت تلگرافی از مشهد پسر آخوند کرده از قضیه مشهد و حکایت جنگ روس‌ها. برای این دکاکین را بسته‌اند. تا دولت چاره کند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳/۲۵۷۸)

چنانچه از شرح منظومه و گزارش‌های این سه کتاب برمی‌آید^۱ در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق مقارن با

۱. دکتر احمدخان [محسنی عمادالملک] در کتاب مشروطه گیلان نوشته رابینو، طی گزارشی از وقایع همین ایام آورده است: «در ششم جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ [...] مقارن غروب آفتاب یک دسته از قزاق روس با توپ مسلسل از قنسولخانه بیرون شده و به طرف سنگر مجاهدین که نزدیک بازارچه حاج کلبعلی [کربلای علی؟] واقع در کوچه ارک حرکت کردند. یکساعت و نیم از شب گذشته مصادف شدند به سنگر مزبور، و با توپ مسلسل چند شلیک سخت به سلاحداران کرده آن‌ها را متفرق ساختند. بعد از متفرق شدن مجاهدین روس‌ها بازارچه و مسجد را آتش زده سوختند». (رابینو، ۱۳۶۸: ۸۰-۷۹) او تنها به ذکر آتش زدن مسجد بسنده کرده بدون آنکه توضیحات بیشتری از محل دقیق آن ارائه کند.

شورش‌های مشهد، سربازان روسیه نیز در سرکوب علیه مردم مشارکت داشته‌اند و به حرم و گنبد رضوی نیز با شلیک گلوله و توپ آسیب رسانده‌اند، اما چگونگی حادثه و میزان خسارت و دخالت روس‌ها در این مورد تاکنون تحقیق و به درستی مشخص نشده است. این حادثه از آن رو که همزمان با هیاهوی رویدادهای فتح تهران، پایان استبداد صغیر و تغییر سلطنت بوده و اخبار و افکار همگان معطوف به آن‌ها بوده، نمود و بازتابی درخور پیدا نکرده است. مدتی بعد در ۱۳۳۰ق واقعه بمباران شدیدتر حرم رضوی و پیامدهای آن چندان در خاطر و اذهان مردم پرننگ و تأثیرگذار شد که تعدی نخستین از یادها رفت و در فراموشی و محاق فرو شد. این مورد نمونه‌گویای وضعیتی بحرانی است که انباشت رویدادهای سیاسی و اجتماعی، حادثه یا حوادثی را چندان برجسته می‌کند که دیگر موارد را با وجود اهمیتشان، تحت الشعاع قرار می‌دهد و کمرنگ می‌کند.

نتیجه

مواردی که در این مقاله بررسی شد، نشانگر آن است که در پژوهش‌های تاریخی رجوع به منابع دست‌دوم اگر نگوییم از اساس برخطاست، می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. بنابراین، رویکرد تفکر تاریخی با روش تطبیقی تحلیلی و بر مبنای اسناد و منابع اصلی و خوانش دقیق آن‌هاست که ما را در فهم و نگارش درست مسائل تاریخی یاری می‌رساند. از همین منظر است که با خوانش و تحلیل صوری و محتوایی فرمانی نویافته از محمدعلی شاه، چندین نکته تازه در رابطه با فرمان‌های او هویدا می‌شود. مسائلی از قبیل طغراهایی از محمدعلی شاه که پژوهندگان اسناد از آن‌ها ذکری به میان نیاورده‌اند. انواع و تعداد این طغراها را که از لحاظ عوامل تشکیل‌دهنده صوری اسناد اهمیت دارند با دسته‌بندی جدیدی ارائه کرده‌ایم. چگونگی انعکاس مسائل سیاسی و عوامل تأثیرگذار همچون دخالت کشورهای بیگانه در عزل و نصب حکام نیز با بررسی و تحلیل این فرمان مشخص شد که تأمل‌برانگیز است. همچنین با محوریت قرار دادن این فرمان و دیگر منابع معتبر، اشتباهات بسیاری از تاریخ‌نگاران در ثبت دقیق تاریخ‌های حکمرانی رکن‌الدوله در خراسان نمایان شد. دستاورد اصلی این مقاله نشان دادن تعدی نخست سربازان روس به حرم رضوی در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق است. با خوانش دقیق منظومه تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت آن سروده رجبعلی تجلی‌سبزواری و تطبیق آن با دیگر منابع معتبر مشخص می‌شود، تعدی سربازان روس به حرم رضوی دوبار بوده است. نخستین بار سربازان روس در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق حرم رضوی را مورد تعدی قرار داده‌اند که اکثر منابع به دلایل مختلف از آن ذکری نکرده‌اند و با مرور زمان چگونگی آن از یادها رفته است. این در حالی است که حمله سربازان روس به حرم رضوی برای دومین بار (۱۳۳۰ق)، در تمامی منابع ثبت و نوشته شده است.

- ادیب هروی، محمد حسن، و ستار شهوازی (بختیاری). (۱۳۸۸). *انقلاب طوس: واکاوی جسارت ارتش تزار به حرم رضوی*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- بامداد، مهدی. (۱۳۵۷). *شرح رجال ایران*. ج ۲. تهران: زوار.
- بختیاری، محمدرضا. (۱۳۹۲). *والیان خراسان در عصر قاجار*. مشهد: پیام کلیدر.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). «منظومه طالب نامه، در ماجرای شهادت ابوطالب یزدی اردکانی». *پیام بهارستان*. (شماره ۱۰)، ۷۳-۳۲.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۲). «نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد». *حوزه*. (شماره ۱۱۵)، ۱۴۹-۲۱۵.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). «انجمن های سیاسی و فرهنگی خراسان در عصر مشروطیت». *دانشکده ادبیات علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)*. (شماره ۲)، ۵۴-۲۷.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت؛ نقد و بررسی یک نسخه منظوم از مشروطه خراسان». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. (شماره ۱۰۶-۱۰۴)، ۷۵-۶۸.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت آن». *پیام بهارستان*. (شماره ۵)، ۹۵۹-۹۷۸.
- رایینو، ه.ل. (۱۳۶۸). *مشروطه گیلان*. به کوشش محمد روشن. رشت: طاعتی.
- سعادت نوری، حسین. (۱۳۴۶). «رکن الدوله ها». *وحید*. (شماره ۴۳)، ۵۹۳-۵۸۵.
- سلیمانی، کریم. (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجاریه*. تهران: نی.
- شهرستانی، حسن. (۱۳۸۱). *جلوه های هنر ایرانی در اسناد ملی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور). (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ج ۵، ۳. تهران: اساطیر.
- فاضلی بیرجندی، محمود. (۱۳۹۹). *تاریخچه ای از فرمانروایان خراسان: از آغاز قاجار تا پایان پهلوی*. تهران: پایان.
- فراسی، رضا. (۱۳۷۸). «آشنایی با فرمان ها و رقم های دوره قاجاریه، اضافات، خط، علائم و نوشته های چاپی». *تاریخ معاصر ایران*. (شماره ۱۲)، ۲۹۶-۲۷۵.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۹۴). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس. (۱۳۶۲). به کوشش احمد بشیریه. ج ۴، ۲. تهران: نور.
- کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه. (۱۳۶۶). به کوشش احمد بشیریه. ج ۲. تهران: نور.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی. (۱۳۸۵). *مهرها، طغرها و فرمان های پادشاهان ایران*. لندن: مولف.
- کوشکی، فرشته. (۱۳۸۹). «تاریخ انقلاب خراسان، گزارشی از حمله روس ها به حرم امام رضا (ع)». *پیام بهارستان*. (شماره ۱۰)، ۷۴-۱۰۲.
- مجدزاده، سپهرداد. (۱۳۹۴). «رکن الدوله، لقب چند تن از شاهزادگان قاجار». *ذیل مدخل رکن الدوله*. *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- مدرس رضوی، محمد تقی. (۱۳۷۸). *سالشمار وقایع مشهد*. به کوشش ایرج افشار. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مغیث السلطنه، یوسف. (۱۳۶۲). *نامه های یوسف مغیث السلطنه*. به کوشش معصومه مافی. تهران: تاریخ ایران.

ناظم الاسلام کرمانی. (۱۳۴۹ش). تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. بخش دوم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

هروی، محمد حسن. (۱۳۶۲). الحدیقه الرضویه. مشهد: شرکت چاپ خراسان.

چاپ سنگی

تجلی سبزواری، رجبعلی. (۱۳۲۷ق). تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت آن. تهران: مولف.

نسخه خطی

هروی، محمد حسن. (۱۳۳۸). انقلاب طوس. کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ثبت ۹۱۳۱۸، شماره قفسه ۱۵۷۷۲.